



پریسا افتخار، مسوول ارتباط با رسانه‌ها در گروه باور:

خوشبختی و بدبختی انسان‌ها را باورشان می‌سازد نه وضعیت جسمانی‌شان

هانیه مهاجری

پریسا افتخار، متولد ۱۳۶۱ است که تحصیلات خود را تا دوره کارشناسی مترجمی زبان ادامه داده است. او هم‌اکنون مدرس مجتمع آموزش نیکوکاری رعد نیز هست و مسوول ارتباط با رسانه‌های انجمن باور هم می‌باشد. پریسا افتخار همراه با همسرش آقای مقدم زوج فعال در گروه باور هستند.

خود را وقف من نمود و از هیچ‌گونه ایثار و از خودگذشتی دریغ نکرد. با وجود این که خودش داغدار خواهرم بود که در همان سانحه درگذشت. اما خارج از خانه، در ابتدا به مجتمع رعد برای فیزیوتراپی مراجعه کردم، در آنجا خانم‌ها فقیهی و حقیقی تلاش‌های بسیار زیادی نمودند تا این که من را به شرایطی عادی بازگردانند و تغییرات مثبت در روحیه‌ام ایجاد کنند. این خانم‌ها به من پیشنهاد کردند که در مجتمع رعد به تدریس زبان مشغول شوم. بعد هم در انجمن باور - که با تلاش‌های جمعی از بچه‌های رعد و در کنار دوستان غیرمعلول تشکیل شده بود، به فعالیت پرداختم.

هم‌اکنون مشغول چه فعالیتی هستید؟

هم‌اکنون به کار تدریس و ترجمه مشغول هستم. در مجتمع رعد، به آموزش زبان می‌پردازم و به عنوان عضوی از گروه باور مسولیت قسمت ارتباط با رسانه‌ها را دارم. یکسال پیش ازدواج کردم و علاوه بر کارهای ذکر شده مسولیت زندگی را هم برعهده دارم.

همانطور که گفتید در گروه باور عضو هستید و فعالیت می‌کنید، لطفاً مختصری درباره تاریخچه گروه باور بفرمایید؟

گروه باور در بهمن ۱۳۸۲، به همت و پیشنهاد آقای مقدم، (همسرم)، که سال‌ها قبل در مجتمع رعد فعالیت می‌کرد و با دعوت از جمعی از معلولین در کنار افراد غیرمعلول شروع به کار کرد. هدف این گروه تغییر باورها و نگرش‌های جامعه نسبت به این قشر و با امید به ساختن شهری بدون پله برای همه بود. شهری که در آن همه شهروندان فرصتی یکسان برای زندگی و

لطفاً در ابتدا خود را معرفی کنید.

من پریسا افتخار، ۲۴ سال دارم، لیسانس مترجمی زبان هستم.

از چه زمانی دچار معلولیت شدید؟

حدود سه سال پیش بر اثر یک سانحه رانندگی قطع نخاع شدم و دیگر نتوانستم راه بروم.

بعد از این که دچار چنین عارضه‌ای شدید، چه عکس‌العملی نشان دادید؟

در ابتدا، بسیار سخت و باورنکردنی بود. مثل یک کابوس وحشتناک که دوست داری زودتر بیدار شوی و از آن رها گردی. یک سال اول منتظر و امیدوار به تغییراتی بودم، چون تقریباً افرادی که دچار ضایعه قطع نخاع هستند، امکان ترمیم تا یک سال برایشان محتمل است، اما زمانی که فهمیدم معالجه و بهبود قطعی نیست، تلاش کردم تا تصمیم جدیدی برای زندگی بگیرم تا بتوانم با این مساله کنار بیایم. برای این که با شرایط جدید خود به گونه‌ای کنار بیایم دو راه پیش رویم بود یا این که باید مثل بعضی افراد معلول خانه‌نشین بشوم یا این که تلاش کنم به زندگی خود با نگرشی جدید ادامه بدهم، مثل قبل البته با کمی تغییرات در زندگی. اما بعد از مدتی که چندان هم طولانی نبود، راه دوم را برگزیدم، می‌خواستم هیچ تفاوتی با دیگران در خود احساس نکنم.

چه عواملی باعث شد تا با این مساله کنار بیایید و آن را به راحتی بپذیرید؟

به طور کلی خانواده و خویشاوندان با محبت کامل تمام وقت خود را صرف من کرده بودند، بخصوص مادر مهربانم که



شماره ۳۳ - زمستان ۸۵

رشد و پیشرفت داشته باشند.

باوری‌ها، باور داشتند که ایجاد معلولیت یک شانس ۵۰ درصدی برای هر کسی است و ممکن است برای هر فردی در جامعه پیش آید. همچنین معتقد بودند که خوشبختی و بدبختی انسان‌ها به شرایط جسمانی شان بستگی ندارد بلکه محصول طرز نگرش و باورهای آنهاست. با تغییر نگرش می‌توانیم زندگی متفاوتی را برای خود رقم بزنیم.

حوزه فعالیت‌های باور شامل چه چیزهایی می‌شود؟

باور در ابتدا قصد داشت کلاس‌هایی مثل مهارت زندگی برای معلولان ایجاد کند، اما به مرور دریافت که مشکل معلولین ریشه‌ای تر و عمیق تر است. به دلیل وجود فرهنگ غلط در جامعه، شخص معلول، ناتوان پنداشته می‌شود و باید جدا از جامعه باشد. از طرفی معلولان حتی اگر بخواهند از خانه بیرون هم بیایند، نگاه‌ها و رفتارهای مردم آن‌ها را اذیت می‌کند. بنابراین گروه باور تصمیم گرفت درکنار توانمندسازی معلولان

به دو موضوع بسیار مهم یعنی فرهنگ سازی در جامعه و آموزش حقوق شهروندی نیز بپردازند. در واقع توانمند سازی، فرهنگ سازی آموزش حقوق شهروندی باید در کنار هم باشند و با هم پیش بروند. به این معنی که ابتدا باید با فرهنگ سازی

محیط جامعه را آماده کنیم تا به راحتی پذیرای افراد معلول باشند و از طرفی خود فردی را که دچار معلولیت است را قانع کنیم و به او این باور را بدهیم که در ابتدا او باید خودش، خود را بپذیرد. زمانی که فرد خود را باور کرد، می‌تواند محیط را برای حضورش آماده کند و این باور را در جامعه جا بیاندازد.

به همین دلیل فرهنگ سازی، توانمند سازی و حقوق شهروندی سه محور اصلی فعالیت گروه باور است.

فعالیت‌هایی که در طول این سه محور انجام می‌گیرد، چیست؟

در حوزه فرهنگ سازی بیش تر متوجه تغییر نگرش جامعه است. تلاش می‌کنیم تا دید و نگرش مردم را از طریق مطبوعات و رسانه‌ها نسبت به معلولان تغییر دهیم. امروزه صحبت بیش تری که دنیا در حوزه و مقوله معلولان بیان می‌کند در اصل "عادی سازی محیط و تلفیق معلولین" با افراد غیر معلول است. گروه باور خودش هم تلفیقی از افراد معلول و غیر معلول است.

در واقع باور یک NGO منحصر به افراد معلول نیست. در این گروه افرادی که معلولیت ندارند، این موضوع را باور کرده‌اند که "معلولیت، یک شانس برابر برای همه است." یعنی تصورشان این است که ممکن است هر لحظه حادثه، بیماری یا سانحه‌ای رخ دهد و آن‌ها هم به این مشکل دچار شوند. در این حوزه کار ما همان‌طور که گفته شد، تاثیرگذاری بر رسانه‌هاست. زیرا رسانه اولین و تاثیرگذارترین عامل بر اذهان عمومی هستند. به عنوان مثال قبل از این که خودم دچار چنین مساله‌ای شوم، تصور می‌کردم که معلولین فقط جانبازان جنگ هستند.

پیگیری اجرای قانون مناسب سازی فضاهای شهری برای افراد دارای معلولیت هم برنامه دیگری است که در این حوزه جای می‌گیرد. یعنی افراد باید به این باور برسند که شهر متعلق به همه شهروندان است، چه معلول و چه غیرمعلول. پس باید فضای شهری برای حضور معلولین مناسب باشد. اضافه بر این، باور دارای یک سایت اینترنتی و یک گروه اینترنتی است که حدود سه هزار نفر در آن عضو هستند.

در حوزه حقوق شهروندی تلاش باور آشناسازی افراد معلول با قانونی است که دو سال پیش در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است. همچنین تلاش برای اجرایی شدن تمام بندهای آن نیز از دیگر فعالیت‌هایی است که در این حوزه انجام می‌شود. در واقع فعالیت‌های ما در این حوزه شامل گفت‌وگو با سازمان بهزیستی، وزارت رفاه و سایر وزارتخانه‌ها و همچنین آگاهی دادن به اعضا و تکثیر قانون ۱۶ ماده‌ای و دادن به همه معلولان است.

در حوزه توانمندسازی فعالیت‌های ما شامل برگزاری کلاس‌های مهارت زندگی است. کلاس‌هایی از قبیل آموزش فن شیوه بیان و کلاس‌های حقوق شهروندی در حوزه معلولین.

چه فعالیت‌هایی پیش روی باور است؟

فعالاً فعالیت در این سه حوزه همچنان ادامه خواهد داشت، سال بعد دومین دوره جشنواره فرهنگی - هنری معلولان هم برگزار خواهد شد، اما در برگزاری جشن به فرهنگ سازی بیش تر توجه می‌شود، چون فرهنگ سازی کار زیربنایی است و چیزی بیش از یک سال یا دو سال زمان می‌برد.

باوری‌ها، باور داشتند که ایجاد معلولیت یک شانس ۵۰ درصدی برای هر کسی است و ممکن است برای هر فردی در جامعه پیش آید

